



روحانی در جلسه هیئت دولت:

صدای مردم به خوبی در انتخابات شنیده شد

گروه سیاست: رئیس‌جمهوری، روز گذشته در جلسه هیئت دولت، با تبریک به ملت ایران به خاطر خلق حماسه عظیم و بزرگ ۲۹ اردیبهشت، گفت: «دولت دوازدهم ان‌شاء‌الله دولتی کارآمدتر و کم‌اشتباه‌تر خواهد بود و با گوشی شنواتر به خواست و مطالبات...

صفحه ۶

دوشنبه ۱ خرداد ۱۳۹۶ | ۲۵ شعبان ۱۴۳۸ | ۲۲ می ۲۰۱۷



درب‌ی انتخاب حسن روحانی

تبریک علی لاریجانی به رئیس‌جمهور

گروه سیاست: علی لاریجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی، در پیامی به حسن روحانی انتخاب او به‌عنوان رئیس‌جمهور ایران را تبریک گفت. متن پیام رئیس مجلس به این شرح است: «حجت‌الاسلام‌والمسلمین جناب آقای دکتر حسن روحانی (دام‌عزه)...

صفحه ۱۹



سال چهاردهم | شماره ۲۸۷۰ | ۲۰ صفحه | ۲۰۰۰ تومان

سرمقاله

خوشامدگویی به کودکی که بالغ شد

احمد پورنجاتی . فعال سیاسی



یک واقعیت بسیار مهم درباره انتخابات که به نظر می‌رسد کمتر به آن توجه شده، رخدادی است که در یکی، دو دوره اخیر ریاست‌جمهوری شاهد بودیم؛ یعنی چیزی شبیه رشد و بالندگی یک کودک به‌سوی نوجوانی و بعد دوران بلوغ. احساس می‌کنم بسیاری از اطرافیان به آنچه به‌لحاظ کیفیت و حتی ماهیت درونی و شخصیتی این کودک و نوجوان رخ داده، کمتر توجه کرده‌اند. مقصودم این است که پس از پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار نظام، با چند برهه مختلف و البته تأمل‌برانگیز و درخور مطالعه مواجه بودیم. در عرصه عمومی یعنی روحیه و رفتار اجتماعی و نوع تعامل جامعه با روند مدیریت کشور و رخدادهایی که پیش می‌آمده و به‌ویژه در مناسبات بین‌اقتشار جامعه با هم، شاهد چند الگو بودیم که از نظر نگارنده می‌تواند با فرایندی که اشاره کردم - رشد و بالندگی از کودکی و نوجوانی به بلوغ در یک انسان- مقایسه شود. در دهه نخست پس از انقلاب دوره‌ای پشت سر گذاشته شد که در مجموع دست‌کم از نگاه نگارنده، از نوعی هژمونی و گستره نظر و رفتار جریان چپ انقلابی حکایت می‌کرد؛ جریانی که بعدها به‌تدریج نام و نشان و البته رویکردی را به خود گرفت که اصلاح‌طلبان امروزی هستند. نکته درخور توجه این‌که جریان چپ انقلابی در آن دوران با این گمان که هم به پشتوانه حمایتی که از کرانه‌گاه نظام در اختیار داشت و هم فرصت‌های مناسبی که در سطوح اجتماعی پیدا کرده بود تصور می‌کرد می‌توان با یک رویکرد کمال‌طلبانه همه جامعه را یکدست و تک‌قطبی کرد. به‌همین دلیل شاهد بودیم در برهه‌های انتخاباتی این نگرش که با عنوان خط امام از آن یاد می‌شد، هم در جامعه برجستگی خاصی داشت و هم در سطوح مدیریت کشور و هم گاهی انگار به سلیقه‌های دیگر یا طیف‌های دیگری که درون خانواده انقلاب هم بودند، از زاویه طعنه‌آمیزی نگاه می‌کرد. در فصل دوم تاریخ نظام جمهوری اسلامی، بنا به دلایل و رخدادهایی که مجال یادآوری آنها نیست، شرایط کاملاً متفاوت و حتی متضادی با فصل اول به وجود آمد؛ اما گویی با همان منطق، قاعده و نوع نگاه، جریان دوم، یعنی جریان راست سنتی و نام‌هایی که بعدها پیدا کرد، کوشید که انگار، جریان مقابل را نادیده بگیرد و با هژمونی و تفوق تکتازی، هم عرصه عمومی و هم ساختار مدیریت کشور را در اختیار داشته باشد. از حق نباید گذشت که بعد از این دو دوره، آغاز به‌رسیمت‌شناختن دیگری و حتی مخالف دوران اصلاحات بود که به‌دلیل تغییرات و درک روش مطلوب از سوی همان گروه اول، به سرانجام رسید و هرچند توانست نقش سازنده و رشدیابنده‌ای در شخصیت جامعه ایرانی داشته باشد؛ اما متأسفانه در سال‌های ۸۴ تا ۹۲ دچار سکنه تاریخی شد. نگارنده از جهت دورن‌مایه، رفتاری بسیار خرسندکننده و امیدآفرین را در عملکرد انتخاباتی دو دوره اخیر به‌طور خاص مشاهده می‌کند که فراتر از موضوع برگزیدن یک کاندیدا به‌عنوان رئیس‌جمهور و رونق رقابتی پرشوری که شاهد بودیم، جامعه ایران را به‌گونه‌ای برخوردار از مشخصه‌های جامعه مدنی درآورده که بسیار متفاوت با یک جامعه توده‌وار یا ژله‌ای، متکی بر عقلانیت و پذیرش دیگری در کنار خود است؛ «دیگری» که ممکن است تفاوت‌های بسیاری از نظر اهداف مطلوب یا راهکارها و سازوکارهای متفاوت مد نظر داشته باشد. به نظر می‌رسد در تحلیل جامعه‌شناختی امروز جامعه ایران، پدیده یا پروژه انتخابات ریاست‌جمهوری یازدهم، مجلس دهم و به‌ویژه در دوره اخیر (ریاست‌جمهوری دوازدهم و شوراهای پنجم)، می‌تواند به‌عنوان یک مورد مطالعاتی برای شناخت مختصات دوران بلوغ جامعه ایران، مورد توجه قرار بگیرد.

ادامه در صفحه ۴

تیترا

آمار انتخابات ریاست‌جمهوری به تفکیک استان‌ها

صفحه ۲

«دولت سایه»؛ پیشنهاد اصولگرایان به رئیسی

صفحه ۱۹

دونالد ترامپ در ریاض سخنرانی کرد

ستایش عربستان نکوهش ایران

صفحه ۸

خبر کنسرت «تتلو» در مشهد تکذیب شد

صفحه ۱۴

استقبال جهان از پیروزی روحانی

صفحه ۶

«عادلہ دواجی» هردوشنبه در «شرق»



صفحه ۱۰

حرف اول

انتخابات و «روستاهراسی»

محمدحسین عمادی



در کارزار انتخاباتی اخیر، بار دیگر «روستا» و «روستاییان» به کانون خبر و مباحث داغ کاندیداهای اصلی ریاست‌جمهوری تبدیل شدند. یک جناح کاروان به روستاها روان کرد تا با تحفه و ترفندهای تبلیغاتی، روستاییان را که به نظر آنان، نیازمند، محروم و بدینار هستند، به وعده‌های اقتصادی و افزایش یارانه‌ها امیدوار کند یا آنها را از گسترش بی‌دینی هراسانده و به سوی کاندیدای مد نظر خود جلب کند. جناح دیگر نیز که خود را از قافله هجوم بی‌رحمانه تبلیغاتی رقیب در مناطق روستایی جامانده می‌دبد، هراسناک تلاش کرد که به هر وسیله‌ای منکر تبلیغات و شایعات منفی جناح مخالف و تأثیرگذاری پیام آنان بر روستاییان وامانده از کارزار انتخاباتی خود در مناطق محروم روستایی شود. نقطه مشترک هر دو جناح همانا ابهام و هراس از روستا به‌عنوان کانون لرزان اما تأثیرگذار در انتخابات است. همین دیدگاه عملاً به یک دل‌نگرانی مشترک درباره نقش و آرای روستاییان تبدیل شده که می‌توان از آن به «روستاهراسی» تعبیر کرد؛ اما به اعتقاد نویسنده، بیش حاکم و برابند عملکرد طرفداران هر دو جناح سیاسی و دیدگاه‌های غالب نشانگر یک شناخت ناقص و داوری عجولانه و ناعادلانه درباره نقش روستاییان است. طرفداران آتشین هر دو جناح رای روستاییان را یک خطر بالقوه می‌دانستند.

ادامه در صفحه ۴

اصولگرایان پشت درهای شورای شهر ماندند

فاتحان بهشت

● لیست امید در تهران، مشهد، اصفهان، کرج، کرمان، زاهدان

سمنان و شیراز اکثریت مطلق را به‌دست آورد

● محسن هاشمی: بحث انتخاب شهردار فعلاً انحرافی است

● پایان حضور ۱۷ساله چهره‌های ورزشی در شورای شهر تهران

گروه سیاست، فرزانه آئینی: فهرست ۲۱ نفره اصلاح‌طلبان یا همان «امید» بی‌کم‌وکاست کرسی‌های شورای شهر تهران را یکی پس از دیگری به نام خود زد. دیروز رسماً نتایج انتخابات شورای شهر تهران از سوی فرمانداری پایتخت اعلام شد و خبرهای جسته و گریخته‌ای را که درباره اقبال مردم تهران از فهرست امید شنیده می‌شد، تأیید کرد.

● در همین زمینه صفحات ۱۷ و ۱۸ را بخوانید

ناکامی اصولگرایان از نگاه امیرمحبیان قالیباف عملیات انتحاری کرد

صفحه ۷

یادداشت

آوار مطالبات انبوه

خاتمی و اصلاحات ناامید شده بودند، جریان‌های طیف اصلاح‌طلب از یکدیگر ناامید شدند. فضای ناامیدی و تشتت و منازعات ناشی از آن در انتخابات سال ۸۴ به‌خوبی خود را نشان داد و یکی از عوامل مهم روی‌کارآمدن دولتی شد که تنها ارمغانش شد و عسرت ملی بود. پیروزی شورانگیز روحانی در انتخابات دوازدهم و پیروزی فهرست امید در انتخابات شورای تهران و پیش از آن پیروزی چشمگیر فهرست همین جریان در مجلس در سال ۹۴ شورانگیز است و انتظارات برای اصلاح امور و حفظ کشور از خطرات خارجی و ترمیم روابط بین‌المللی ایران و مدیریت عقلانی و توسعه آزادی‌های سیاسی و مدنی را افزایش می‌دهد. این وضعیت مشابیه‌های زیادی با وضعیت سه نهاد حقوقی قدرت در ایران در سال ۱۳۸۰ دارد. قطع‌نظر از کیفیت‌های شخصی افراد در آن سال‌ها، اینک نیز هر سه نهاد در اختیار همین طیف سیاسی است. همین ویژگی می‌تواند زمینه با انگیزه‌های برای اوج‌گیری ذهنی انبوه مطالبات را فراهم آورد. شاید طرح این انداز یا نگرانی در روزهای شیرین پیروزی، نوعی تلخ‌مزاجی یا وقت‌ناشناسی تلقی شود، اما چهار سال، مدت اندکی است و از هرروز آن باید بیشترین بهره را گرفت. از تجربه نیمه اول دهه ۸۰ در دوره دوم روحانی چگونه باید بهره گرفت؟ طیف سیاسی مشهور به اعتدال و اصلاح در سه انتخابات پیروزی چشمگیری یافتند. اکثریت قابل‌توجهی از جامعه ایران علاقه و گرایش خود را به این جریان نشان داده و اهداف و آرمان‌ها و خواسته‌های خود را با حمایت از این جریان دنبال کردند. شکی نیست

دولت اصلاحات کرد کامل بود و هرآنچه اصلاح‌طلبان گفتند و کردند نقض نداشت. مشکل آنجا بود که در فضای مسرور و سرخوش از پیروزی‌های ۷۶ در ریاست‌جمهوری، ۷۷ در شورای شهر تهران و کمی بعدتر در بهمن ۷۸ در مجلس شورای اسلامی خیلی از فعالان و مردم و حتی صاحب‌منصبان از یاد بردند که یک نظام سیاسی و اجتماعی مانند ایران بسیار پیچیده‌تر و ظریف‌تر از آن است که فقط در چند نهاد حقوقی منحصر و مختصر شود و مسیر تحول و اصلاح، مسیری کوتاه و زودبازده و سطحی نیست. اصولاً اگرچه از یک نگاه حقوقی ساده می‌گویم باید قانون و حقوق برتر و بالاتر از همه‌جیز باشد، اما واقعیت این است که حقوق حتی اگر ذیل سیاست هم قرار نگیرد، اما عمیقاً متأثر از سیاست است. در سال‌های ابتدایی دهه ۸۰ همه آرزوهای بزرگ و کوچک، گذشته از آنکه هرکدام ماهیتاً چقدر درست بودند بر سر دولت آوار شدند. چنان شد که گویی دولتی که بیش از چندسال برقرار نیست موظف است تمامی آرزوها و خواسته‌های قدیم و جدید همه جریان‌ها را در بلندترین سقف و کوتاه‌ترین مدت محقق کند. هیچ‌گاه چنین تصویری نمی‌تواند واقعیت پیدا کند. تنها چیزی که واقعیت یافت، آوار مطالبات بر سر دولت بود؛ مطالباتی که حتی برای تحقق درست‌ترینشان به سال‌ها وقت و تغییرات تدریجی نیاز است؛ مطالباتی که خیلی از آنها در آن شرایط قابلیت تحقق نداشتند. بالاخره در سال ۱۳۸۴ امواج ناامیدی از محمد خاتمی و تفکر اصلاح‌طلبانه در جامعه ایران به اوج خود رسید. تشتت و ناسازگاری در میان اصلاح‌طلبان بالا گرفت. گویی همان‌قدر که مردم از



کاملیز نوروزی حقوق‌دان

۱) بیست‌ونهم شورانگیز اردیبهشت گذشت. مثل خیلی روزهای دیگر، مثل دوم خرداد. مثل بیست‌وچهارم خرداد. روزها می‌آیند و تلخی یا شیرینی خود را در دهان می‌گذارند و زودتر از آنچه می‌پنداریم، صورت تاریخ به خود می‌گیرند و به خاطره‌ها تبدیل می‌شوند. برای کسانی خاطره‌ای تلخ می‌سازند و برای دیگری خاطره‌ای شیرین. بعضی خاطره‌ها و تاریخ‌ها از زنده‌اند و بعضی دیگر نیمه‌جان یا بی‌جان در بیگانی راکد ذهن فراموش می‌شوند. این طبع و سرشت ناگزیر زندگی و اجتماع و سیاست است. عمر خاطره‌ها همان‌قدر که مربوط به اهمیت آنهاست، از میزان توجه به آنها و استفاده ما از آنها تبعیت می‌کند. ۲) سال‌های زیادی از آن روزها نگذشته است که انبوه خواسته‌های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی از رئیس‌دولت اصلاحات چنان بالا رفت که نه او و نه هیچ‌کس دیگر تاب‌وتان پاسخ‌گویی به آن را نداشتند. تعارض‌ها و فاصله‌های زیاد میان مطالبات با ظرفیت‌های واقعی موجود آن‌قدر افزایش یافت که به‌سرعت به توسعه یأس و ناامیدی در مردم و حتی فعالان سیاسی و مدنی انجامید. این طبیعت آدمی است که هرقدر فاصله آرزوها با توانایی‌ها بیشتر باشد، خطر یأس و سرخوردگی نیز افزایش می‌یابد. خیلی زود افراد و گروه‌هایی مغرورانه و ذهن‌گرایانه سخن از عبور از خاتمی یا استعفاي او گفتند. نه‌آنکه هرآنچه



انجمن صنفی پتروشیمی پتروشیمی
APIC
ASSOCIATION OF PETROCHEMICAL
INDUSTRY CORPORATION

بی گمان ملت شریف و بزرگ ایران در روز بیست و نهم اردیبهشت سال